

درمخترت
ارباب معرفت

انقباس از حلقات انس عارف عظیم
آیت الله سعادت پرور

محمد حسین رشتاد

مؤسسه فرهنگی هنری جلوه نور علوی علیه السلام
تلفن: ۰۹۰۳۳۹۸۷۹۹۰، (۰۲۱) ۳۳۹۸۷۹۹۰
سایت: www.jelveh.org



عنوان کتاب: در محضر ارباب معرفت

(اقتباس از حلقات انس عارف عظیم، مرحوم
آیت الله علی سعادت پرور رحمته الله علیه)

مؤلف: محمد حسین رخشاد

تنظیم و ویرایش: هیئت علمی مؤسسه فرهنگی

هنری جلوه نور علوی علیه السلام

طراح جلد: مسعود نجابتی

تصویرساز: علیرضا ذاکری

ناشر: فیض فرزانه

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۷۲۱-۳-۰

مرکز پخش: ۰۹۱۲۷۹۷۴۷۵۰

کلیه حقوق مربوط به چاپ و نشر این اثر متعلق
به مؤسسه جلوه نور علوی علیه السلام است.

سرشناسه: سعادت پرور، علی، ۱۳۰۵ - ۱۳۸۳.
عنوان و نام پدیدآور: در محضر ارباب معرفت؛ اقتباس از
حلقات انس عارف عظیم آیت الله علی سعادت پرور رحمته الله علیه /

مؤلف: محمد حسین رخشاد؛
تنظیم و ویرایش: هیئت علمی مؤسسه فرهنگی هنری
جلوه نور علوی علیه السلام.

مشخصات نشر: تهران: فیض فرزانه، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۷۲۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۷۲۱-۳-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۷۲۴ - ۷۲۸.

موضوع: آداب طریقت

Customs of the order*

عرفان

Mysticism

آداب طریقت -- جنبه های قرآنی

Customs of the order -- Qur'anic teaching*

عرفان -- جنبه های قرآنی

Mysticism -- Qur'anic teaching

شناسه افزوده: رخشاد، محمد حسین، ۱۳۲۴ -، گردآورنده

شناسه افزوده: مؤسسه فرهنگی هنری جلوه نور علوی علیه السلام

رده بندی کنگره: ۳/ BP288A

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۸۴

شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۰۹۲۸۵

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

فهرست اجمالی

| | |
|-----|-----------------------------|
| ۹ | سخن ناشر |
| ۱۱ | مقدمه مؤلف |
| ۱۵ | فصل اول: در آستانه سلوک |
| ۱۰۵ | فصل دوم: شرایط و لوازم سلوک |
| ۱۸۷ | فصل سوم: نفحات سلوک |
| ۲۲۷ | فصل چهارم: پایان سلوک |
| ۳۰۷ | فصل پنجم: ندای ملکوت |
| ۳۷۷ | فصل ششم: صاحبان ملکوت |
| ۴۴۵ | فصل هفتم: ترنم ملکوت |
| ۵۹۷ | فصل هشتم: سالکان ملکوت |
| ۶۶۶ | فهرست تفصیلی |
| ۶۷۸ | فهرست منابع |

مشتاقان و سالکان کوی محبوب همواره آرزومندند که در طی طریق الی الله ملازم معلمی ربانی و استادی راه‌رفته باشند؛ تا از انفاس روحانی اش حیات تازه گیرند و در کوره‌راه‌های سیروسلوک دستگیرشان باشد؛ از خرمن وجود استاد خوشه چینی کنند و چون پروانه‌ای دور شمع وجودش بگردند؛ بسوزند و خویش را بسازند.

در روزگار معاصر، آیت‌الحق حاج شیخ علی سعادت‌پرور رحمته‌الله‌علیه یکی از آن اساتید ربانی بود. ایشان سالیان متمادی از محضر علامه طباطبایی رحمته‌الله‌علیه بهره‌های وافر برده و منازل سلوک را طی کرده بود؛ به نحوی که مرحوم علامه در همان زمان حیات خویش تربیت شاگردان را بر عهده ایشان قرار می‌داد.

موسسه جلوه نور علوی رحمته‌الله‌علیه این افتخار را دارد که رسالت اصلی خود را تبیین و ترویج مکتب علمی و تربیتی علامه طباطبایی رحمته‌الله‌علیه قرار داده و در نشر و ترویج آثار اساتید این مکتب، به‌ویژه شاگردان آیت‌الله سعادت‌پرور رحمته‌الله‌علیه بکوشد.

جان‌پرور است قصه ارباب معرفت
رمزی برو پیرس و حدیثی بیا بگو
حافظ‌گرت به مجلس او راه می‌دهند
می‌نوش و ترک زرق ز بهر خدا بگو
اثر حاضر، تألیف استاد ارجمند، آیت‌الله محمدحسین رخشاد است که توفیق درک محضر تنی چند از بزرگان سیروسلوک، از جمله علامه طباطبایی، آیت‌الله بهجت و آیت‌الله سعادت‌پرور رحمته‌الله‌علیه را داشته است. معظم له در این اثر رهیافت و برداشت حضور خود در جلسات آیت‌الله سعادت‌پرور رحمته‌الله‌علیه را با قلم رسای خویش با اضافات و ملحقاتی بر ارقام سطور آورده است؛ که شامل ۲۵۰ جلسه و حاصل سالیان متمادی شرکت در محضر آن بزرگوار می‌باشد. این کتاب مشتمل بر مباحث گوناگون معرفتی با محوریت شرح آیات،

احادیث حضرات معصومین علیهم السلام و اشعار است و با رویکرد سلوکی و بیانی لطیف ایراد شده که با ذوق و قریحه مؤلف محترم مزین به اشعار عرفای بزرگی همچون خواجه حافظ شیرازی، فیض کاشانی، شمس مغربی و طوطی همدانی رحمتهما الله و... نیز گشته است. بنا بر فرمایش مؤلف ارجمند، این اقدامات از سوی مؤسسه جلوه نور علوی علیها السلام پیرامون این اثر انجام گرفت:

۱. مستندسازی متون عربی، از جمله آیات، روایات و...؛
۲. ترجمه آیات، روایات و دیگر عبارات عربی؛
۳. تخصیص عنوان به هر جلسه؛
۴. ویرایش صوری - فنی متن؛
۵. فصل بندی مطالب؛ که در ادامه شرح آن می آید.

فصل اول: در آستانه سلوک؛ با محوریت مطالب مرتبط با آغاز سلوک و موضوعاتی همچون اصلاح و تهذیب نفس، عبودیت و بندگی، مراقبه و محاسبه، تقوا و مراتب آن؛
فصل دوم: شرایط و لوازم سلوک؛ پیرامون لوازم سلوک الی الله و مباحثی مانند ذکر و یاد خدا، نماز شب و تهجد، صمت و جوع، صبر و استقامت، توکل و تسلیم، و ذکر برخی از موانع سلوک؛

فصل سوم: نفحات سلوک؛ توصیه‌هایی پیرامون مراقبه ایام خاص، همچون ماه‌های رجب، شعبان، رمضان و ذی حجه (اربعین کلیمی)؛
فصل چهارم: پایان سلوک؛ پیرامون مطالبی همچون فطرت توحیدی، و معرفت الهی، فقر و نداری، رویت و لقاء الهی و توحید حقیقی و کامل؛
فصل پنجم: ندای ملکوت؛ شامل شرح احادیث قدسی مرتبط با فصل‌های قبل؛
فصل ششم: صاحبان ملکوت؛ شامل شرح روایاتی از حضرات معصومین علیهم السلام درباره آغاز، نفحات و پایان سلوک؛

فصل هفتم: ترنم ملکوت؛ مشتمل بر شرح ابیاتی از خواجه حافظ شیرازی با رویکرد معرفتی و سلوکی؛
فصل هشتم: سالکان ملکوت؛ شامل مطالب متنوع مطرح شده توسط علامه طباطبایی رحمتهما الله و پرسش‌هایی از محضر ایشان.

در پایان بر خود لازم می‌دانیم از زحمات جناب حجت الاسلام محمد عبادی فرکه مسئولیت راهبری این پروژه را در مؤسسه عهده‌دار بودند قدردانی نماییم. امید است این اثر مورد رضای صاحب اصلی و استاد کل، حضرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه قرار گیرد. مؤسسه فرهنگی هنری جلوه نور علوی علیها السلام

آبان ماه ۱۴۰۰



الحمد للحق المبين و الصلوة على الرسول الامين و على ابن عمه اميرالمؤمنين و على آله الطيبين الطاهرين سيما بقیة الله فی الارضین و اللعن علی من عاداهم الی یوم الدین و بعد قال الله الحکیم: «مَنْ يَهْدِ اللهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِیُّ وَمَنْ يُضِلِّ اللهُ فَاُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ»^۱.
امام سجاد علیه السلام فرموده است: «مُجَالَسَةُ الصَّالِحِينَ دَاعِيَةٌ إِلَى الصَّلَاحِ»^۲.
آری!

هرکه با پاکدلان صبح و مسایی دارد دلش از پرتو اسرار، صفایی دارد^۳
حمد و ستایش و سپاس خدای منان را که به این بنده، توفیق درک حضور محضر شریف عالمانی ربانی را دربره‌ای از حیات عطا نمود. ما از خود هیچ نداریم و هر چه داریم از نکاتی است که مرحوم علامه طباطبایی رحمته الله علیه به آن‌ها اشاره کرده که راهگشای بسیاری از مطالب است و مرحوم علامه طباطبایی رحمته الله علیه نیز می‌فرمودند: ما هر چه داریم از مرحوم سیدعلی آقای قاضی رحمته الله علیه داریم.
کتابی که فراروی خوانندگان محترم است، مجموعه‌ای از یادداشت‌ها و نیز مطالبی برگرفته از مجالس اخلاقی-عرفانی در محضر فقیه خبیر و عارف

۱. الأعراف، ۱۷۸؛ «هرکه را خدا راهبری و هدایت کند، پس او هدایت یافته (و به مقصد رسیده است)، و هرکه را گمراه نماید، پس هرگز برای او مربی و راهنمایی نخواهی یافت».
۲. الکافی، ج ۱، ص ۲۰؛ «همنشینی و مصاحبت و نیز محافل و مجالس پاکان و صالحان، انسان را به نیکی و پاکی و صلاح و اصلاح و امی دارد»..
۳. دیوان پروین اعتصامی، مثنویات، تمثیلات و مقطعات، نکته‌ای چند.

بصیر و مفسر کبیر، حضرت آیت الله سعادت پرور رحمته الله علیه می باشد. این مجموعه که حاصل عمر پرتلاش و نیز تحقیق، ریاضت، مراقبت و مجاهدت می باشد ارائه حقایق معارف و نکات ناب اخلاقی - عرفانی بر مبنای کتاب و سنت و عترت نبوی صلی الله علیه و آله را به ارمغان آورده است. مطالب کتاب هرچند به ظاهر در مواردی بدون ترتیب به نظر می رسد، ولی در مجموع، بر محور توحید و به منظور هدایت عزیزان خواننده، به خصوص طلاب گرامی، در بُعد عقاید و تخلق به اخلاق الهی در رفتار و کردار و گفتار نگاشته شده است؛ لذا انتظار می رود به هنگام مطالعه، با تأمل بیشتر برای تقویت خود در زمینه معارف و نیز اصلاح و تهذیب نفس، از آنها استفاده، و از مطالعه سطحی و معمولی خودداری شود. آنچه شایان ذکر است اینکه:

اولاً، مباحث کتاب برای جمعی از فضلالی سطح عالی حوزه مطرح شده که هدف اصلی از ایراد آنها، افزایش بصیرت و تقویت و توجه بیشتر در بُعد معارفی است که از راه سیروسلوک و تعبد به دستورات دین به ویژه آداب و سنن شرع مبین و متابعت سنت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و پیروی از سیره حضرات معصومین علیهم السلام با مجاهدت و مراقبه حاصل می گردد؛ بنابراین از طرح عناوین و موضوعات به صورت مبسوط و شرح جوانب بحث و بیان دیدگاه ها و استدلال بر قبول یا رد آن خودداری شده است. البته مطالب آورده شده می تواند ره توشه ای برای تمامی سطوح باشد و عدم استفاده همگان از همه مباحث، مانع از بهره برداری دیگر اقشار و طبقات نخواهد شد.

ثانیاً، عناوین یادشده به صورت گزینشی از جلسات حکیمانه و بیانات توحیدی و عارفانه حضرت استاد فرزانه انتخاب شده است.

ثالثاً، چنان که یاد شد، در طرح هر عنوان و یا آیه و یا موضوع، همه جوانب در آن استقصا نشده است، بلکه تتمه آن در جاهای دیگر طرح گردیده و نکاتی آمده است؛ لذا قضاوت در مورد امور یادشده و تحصیل نظر نهایی از آن، تنها در صورت مطالعه همه موارد در کل این مجموعه امکان پذیر است.

رابعاً، آیاتی که در طلّیعه هر جلسه گزینه و عنوان شده، به نحوی قابل تطبیق با ذیل آن است؛ و لذا مباحث مندرج در ذیل، تفسیر و تفصیل آن آیه محسوب نمی‌شود.

خامساً، همان‌طور که متذکر شدیم، این مجموعه گلچینی از بیانات حضرت استاد به ضمیمه اضافاتی برگرفته و اقتباس شده از فرموده‌های آن عارف عظیم و فرزانه است؛ پس طبیعتاً به ترتیب جلسات و بیانات ایراد شده توسط حضرت استاد نخواهد بود.

سادساً، اگرچه در بیان نظرات استاد رحمته‌الله نهایت دقت به عمل آمده است ولی در عین حال ممکن است در نحوه تقریر آن، اشتباه و یا خطایی رخ داده و یا نیاز به توضیح بیشتری باشد؛ بنابراین از خوانندگان عزیز و برادران و خواهران روحانی تقاضا می‌شود هرگونه سهو و خطای احتمالی و یا توضیح آنچه به بیان و شرح بیشتری می‌باشد را در صورت امکان به آدرس ناشر محترم با ما مکاتبه نمایند.

در پایان از کلیه برادران گرامی که این بنده را در ارائه این اثریاری نموده و در عرضه آن به مشتاقان معارف ناب - چه در عرصه ویرایش و یا تدوین، تحقیق، ارجاع نشانه‌های آیات و روایات و یا ترجمه آنها و یا عنوان‌گذاری و ترتیب آن - نقش داشته‌اند، صمیمانه تشکر و تقدیر می‌نمایم.

شکر الله تعالی سعيهم و عليه سبحانه اجرهم

والحمد لله اولاً و آخراً

محمد حسین رخشاد

ربيع الاول ۱۴۴۳

فصل اول
در آستانه سلوک

﴿وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلُمُوا لَهُ مِن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ﴾^۱

الانابه هو الرجوع بتمام الوجود اليه سبحانه و الظاهر أنه مع خضوع و استكانة؛ و الامر بالاسلام هنا هو التسليم الباطني؛ ثم الذي لا يحس بالتقصير و الاسائة لا يتوجه و لا يتقرب اليه تعالى بالتوبة و الانابه اليه سبحانه؛ «إِلَهِي إِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجْلِي وَلَمْ يُدْنِي مِنِّي عَمَلِي فَقَدْ جَعَلْتُ الْإِقْرَارَ بِالذَّنْبِ إِلَيْكَ وَسَيْلَتِي لِلتَّقَرُّبِ إِلَيْكَ وَالزُّلْفَىٰ لَدَيْكَ؛ «انابه به معنای رجوع با تمام وجود به سوی خداوند سبحانه است و ظاهر این است که همراه با تواضع و فروتنی است و امر به اسلام اینجا به معنای تسلیم باطنی است؛ کسی که احساس تقصیر و گناه نمی‌کند، توجه و تقرب به خدا با توبه و انابه به او ندارد؛ بارها! اگر اجلم فرارسیده و کردارم مرا به تو نزدیک نساخته است، پس با اعتراف به گناهم رانزد تو وسیله برای تقرب به تو قرار می‌دهم». در دعای کمیل آمده است: «وَقَدْ أَتَيْتُكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي وَإِسْرَافِي عَلَىٰ نَفْسِي مُعْتَذِرًا نَادِمًا مُنْكَسِرًا مُسْتَقِيلًا مُسْتَغْفِرًا مُنِيبًا مُقِرًّا مُدْعِنًا مُعْتَرِفًا»^۲؛ زیرا درد و رنج دوری و هجران از محبوب قابل تحمل نیست؛ حالا در دنیا احساس الم هجران و فراق را نداریم ولی با مردن و قطع علائق عالم ماده و طبیعت، این درد معلوم و ملموس می‌گردد.

﴿نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ﴾^۳؛ «الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ»^۴؛ «يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَرَبِّي صَبَرْتُ

۱. الزمر، ۵۴؛ «و به سوی پروردگارتان بازگردید و تسلیم [فرمان‌ها و احکام] او شوید، پیش از آنکه شما را عذاب آید».

۲. مصباح‌المتجهج، ج ۲، ص ۸۴۶؛ دعای کمیل؛ «ای خدای من اینک پس از کوتاهی در عبادت و زیاده‌روی در خواهش‌های نفس، عذرخواه، پشیمان، شکسته‌دل، جویای گذشت، طالب آمرزش، بازگشت‌کنان با حالت اقرار، اذعان و اعتراف به گناه به درگاهت روی آورده‌ام».

۳. الهمزة، ۶؛ «آتش برافروخته خداست».

۴. الهمزة، ۷؛ «[آتشی] که بر دل‌ها برآید و چیره شود».

عَلَى عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ»؛ لذا شاه نعمت الله ولی رحمته الله علیه درباره آیه «رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ»^۲، می فرماید: منظور، درد فراق و هجران است که قابل تحمل بشر نمی باشد.

ما توده مردم با این نمازهای بی حضور که می خوانیم و روزه های بی حاصل که جز گرسنگی و تشنگی و تعب ثمری ندارد، و نیز با گذرانیدن اوقات عمر به غفلت و یا معصیت، هیچ وسیله تقریبی برای خود به سوی خدا نداریم.

| | |
|----------------------------------|---|
| خوشا آن کو انابت با خدا کرد | به حق پیوست و ترک ماسوا کرد |
| خوشا آن کس که دامن چید از اغیار | به یار واحد فرد اکتفا کرد |
| خوشا آن کس که فانی گشت در خود | ز تشریف بقای حق قبا کرد |
| خوش آن کو لذت دارالفنا را | فدای لذت دارالبقا کرد |
| خوش آن دانا که هر دانش که اندوخت | یکایک را عمل بر مقتضی کرد |
| خوشا آن کو به تنهایی گرفت انس | چو فیض ایام بگذشته قضا کرد ^۳ |

یکی از علمای متوغل در علوم ظاهر را در خواب پس از فوت بالباس پاره و مندرس دیدند که با ندامت و حسرت به مأمومین خود می گوید: ما هیچ با خود نیاوردیم، هیچ نداریم.

شادی شیطان

آری! گاهی می شود یک عمر سرگرم به دنیا و ریاست و مقام بود و به غفلت سپری کرد و دچار خسارت و زیان و دوری و هجران شد، ولی به گمان فوز و جنان و رضوان^۴ بود؛ دم رفتن از دنیا، شیطان برای پیروزی خود بر ما و اغوا و شکست دادن

۱. إقبال الأعمال، ج ۲، ص ۷۰۸؛ «ای خدا و آقا و مولا و پروردگارم! بر فرض که بر عذابت شکیبایی ورزم، ولی بر فراق چگونه صبر کنم؟».

۲. البقرة، ۲۸۶؛ «پروردگارا! و آنچه را به آن تاب و توان نداریم، بر ما تحمیل مکن».

۳. دیوان فیض کاشانی، ج ۲، ص ۷۳۳.

۴. «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا ۚ الَّذِينَ صَلَّوْا لِحَيْوَةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا»؛ الکهف، ۱۰۳ و ۱۰۴.

ما کف می زند و شادی می کند که تا دم مرگ، ما را شصت، هفتاد سال به غفلت و خواب مشغول کرد؛ و در عوالم برزخ - بلکه تا جهنم - به صورتی هولناک و سوزناک برای شکنجه و عذاب مجسم می شود.^۱

فدای دوست نکرديم جان و دل صد حيف!

به اختيار نرستيم ز آب و گل صد حيف!

ز عشق حق نرديم آتشی به جان نفسی

همیشه در آتش ديويم مشتعل صد حيف!

جهاز عقبی باقی نمی کنیم دمی

به کار دنیی فانیم مشتغل صد حيف!^۲

«اللّٰهِي وَ قَدْ أَفْنَيْتُ عُمْرِي فِي سِرَّةِ السَّهْوِ عَنكَ وَأَبْلَيْتُ سَبَابِي فِي سَكْرَةِ التَّبَاعُدِ مِنْكَ
اللّٰهِي فَلَمْ أَسْتَبْقِظْ أَيَّامَ اغْتِرَارِي بِكَ وَرُكُوْبِي إِلَى سَبِيلِ سَخِطِكَ»^۳.

آرزوی دم مرگ

از ابوسعید خراز (یکی از اهل معرفت) دم مرگ سؤال شد: چه آرزویی داری؟
جواب داد: الحسرة من الغفلة؛ بر غفلتم حسرت می خورم، آرزویم این است که
ای کاش ساعتی از عمرم به غفلت نمی گذشت!

«وَعَنِ الْكَاطِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ لَا يَتَحَسَّرُونَ عَلَى شَيْءٍ فَاثَمَّ مِنَ الدُّنْيَا كَتَحَسَّرِهِمْ
عَلَى سَاعَةٍ مَرَّتْ مِنْ غَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ»^۴.

پیری رسید و عهد جوانی تباه شد

ایام زندگی همه صرف گناه شد

۱. «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَنِيَّ وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ»؛ الزخرف، ۳۸.

۲. دیوان فیض کاشانی، ج ۲، ص ۹۲۹.

۳. بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۹۸؛ «بارالها! همانا عمرم را در بی خبری و غفلت و فراموشی و اشتباه گذراندم و جوانی ام را به بدمستی و دوری از تو سپری نمودم و فرسودم؛ خدایا! در روزگاری که فریفته کرمتم بودم و به راه خشم و ناخوشایندت در برابرت می رفتم، بیدار نشدم».

۴. سفینة البحار، ج ۶، ص ۶۶۳؛ «امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: اهل بهشت بر آنچه در دنیا از آنها فوت شد، حسرت نمی خورند، مگر بر آن ساعتی که به غیر خدا سپری شد».

بی‌راهه رفته پشت به مقصد همی روم
عمری دراز صرف در این کوره‌راه شد
وارستگان به دوست پناهنده گشته‌اند
وابسته‌ای چو من به جهان بی‌پناه شد
خودخواهی است و خودسری و خودپرستی است
حاصل ز عمر آن که خودش قبله‌گاه شد
از نور رو به ظلمتم ای دوست دست گیر!
آن را که روسیه به سراشیب چاه شد^۱

۱. دیوان اشعار امام خمینی رحمته‌الله علیه، ص ۹۳.